مدیریت شهری
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014
۸۷-۱۰۲
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۶/۱۷ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۲/۳

بازخوانی ابعاد زیبایی‌شناسی محیطی فرم شهر؛ مورد پژوهی: استخوان‌بندی اصلی شهر تاریخی اصفهان

محمدرضا پورجعفر *-استاد تمام‌گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
علی اکبر تقوایی-دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران.
پرویز آزاد فلاح- دانشیارگروه روانشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
علی‌رضا صادقی- دانشجوی دکتری شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده
به نظر می‌رسد اگر فرم شهر را کلیه عناصری از محیط طبیعی و انسان‌ساخت پیرامون آدمی بدانیم که انسان بطور بالقوه می‌تواند در ارتباط با آن قرار گیرد، استخوان‌بندی اصلی شهر مشخصه بنیادینی از فرم شهر باشد. از سوی دیگر زیبایی‌شناختی محیطی پارادایمی است که با تاکید بر نامحدود بودن تجربه محیط طبیعی و مصنوع پیرامون آدمی و اهمیت فهم انسان از آن، برکسب تجربه زیبایی‌شناختی از محیط تاکید کرده‌است. تجربه‌ای که می‌تواند درست به‌اندازه تجربه‌ای که از هنر و آثار هنری بدست می‌آید، به لحاظ عاطفی و شناختی غنی و ارزشمند باشد. با توجه به آنچه گفته شد در این نوشتار با استفاده از روش‌های تحقیق توصیفی- تحلیلی و موردی و شیوه‌های تحقیق مرور متون، منابع و اسناد تصویری، به بازخوانی ابعاد بصری- فرمی (در برگیرنده‌ی خصوصیات بصری محیط کالبدی مانند فرم و منظر عینی شهری) و ادراکی- معنایی (در برگیرنده‌ی خصوصیات محیط رفتاری مانند سیما و منظر ذهنی شهری) زیبایی‌شناسی محیطی فرم شهر پرداخته شده است. این مهم از طریق بازخوانی و تحلیل ویژگی‌های استخوانبندی اصلی شهر اصفهان صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: تجربه زیبایی شناسی، محیط انسان‌ساخت، ابعاد زیبایی شناسی محیطی، فرم شهر اصفهان.

The Environmental Aesthetic Elements and Aspects of the Urban Form Case Study: the Main Structure of Esfahan

Abstract
There are two views on the concept of form. The first one looks at form versus content. Based on this old point of view, form or aspect is the shape and content is the performance of a phenomenon. On the other hand, according to the second perspective, form represents the aspect, structure, and the way content is developed, visualized, and expressed. From this standpoint, aesthetics is defined as emotional, obvious, and sensory presentation of a phenomenon which exposes itself to judgment. In other words, this core skeleton is responsible for transferring the city's message to its citizens and visitors. Other parts of the city, which comprise the non-core part of it, are taken to be environments for showing diversity, freedom, authority, and change. At this time, it appears that if we consider the urban form as all elements of natural and human-made environment that surrounds human being, which men can potentially connect with it, the core skeleton of the city can be a fundamental characteristic of the urban form. Since, the main skeleton of the city is comprised of such elements as the key axes of communication, major open spaces, public buildings, etc., with which people are always connected. On the other hand, environmental aesthetics is a paradigm that focuses on gaining aesthetic experience of the environment through focusing on the unlimited nature of natural environment and human made experience around the humans and the importance of perceiving such experience by humans. Such an experience could be as emotionally and cognitively rich and valuable as that which is gained from art and art works. Environmental aesthetics is one of the two or three important areas of aesthetics which have been taken into consideration since the second half of twentieth century. The most significant subjects, with which environmental aesthetics is involved, are those related to understanding of the universe aesthetics and world aesthetics whose constituents are not merely objects and phenomena. They are, rather, bigger elements found in the environment. Therefore, the domain of environmental aesthetics goes beyond the limited borders of the art world and human understanding and broadens to aesthetic understanding of natural and human-made artificial environments which are influenced by the presence of men. According to the foregoing, this paper uses descriptive-analytical research method, case study, text reviews, and visual documents and sources to review the visual-formal aspects (including visual characteristics of the physical environment such as the objective perspective and form of the city) and perceptive-meaning aspects (including the characteristics of behavioral environment such as urban subjective perspective and form) of the environmental aesthetic of the urban form. This important issue is achieved through reviewing and analyzing the main structure characteristics of Esfahan.
Keywords: Aesthetic Experience, Human-made Environment, Environmental Aesthetic Aspects, Esfahan Urban Form.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۱۳۵۵۷۱؛ رایانامه: pourja_m@modares.ac.ir

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری آقای علی‌رضا صادقی با عنوان «تبیین نسبت حس تعلق با زیبایی‌شناسی محیطی در فضاهای عمومی شهر ایرانی اسلامی» است که به راهنمایی آقایان دکتر محمد رضا پورجعفر و دکتر علی اکبر تقوایی و مشاوره آقای دکتر پرویز آزاد فلاح در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران در حال انجام است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

مقدمه و بیان مساله

مطرح شدن مبحث زیبایی‌شناسی محیطی، به اوائل قرن بیستم (زمانی که مردم آگاهی بیشتری از محیط طبیعی و مصنوع پیرامون خود بدست آورده‌اند) و اوج گیری آن به اواسط قرن گذشته میلادی بازمی‌گردد. گسترش این مبحث همزمان با کاسته شدن از نفوذ نظریه‌های بی‌طرفی و فرمالیسم بر دانش زیبایی‌شناسی بوده‌است. در واقع با گسترش نظریه اکسپرسیونیستی هنر، نظریه‌های بی‌طرفی و فرمالیسم به حاشیه رانده شدند و ادراک زیبایی‌شناختی دستخوش تغییر شد. این تغییر آنقدر اهمیت داشت که بتوان آن را تغییر در الگوی مسلط زیبایی شناختی دانست چراکه باعث شد پارادایم قدیمی تأمل بی‌طرفانه در ویژگی‌های اثر هنری جدا و منفک شده از بافت پیرامونش، رفته رفته جای خود را به پارادایمی دهدکه بر برقراری رابطه عاطفی با جنبه‌های گوناگون پدیده و برخورداری از شناختی غنی از ویژگی‌های پدیده مورد مطالعه تاکید می‌کرد. اما پارادایم جدید تقریباً فقط متناسب درک هنر بود و در آن بحث درک زیبایی‌شناختی هر عالمی بجز عالم هنرکنار گذاشته شد و درک زیبایی شناختی محیط را ناقص، بی اهمیت، شخصی و نارسا می‌دانست. هیپورن در سال ۱۹۶۶ به شیوه نگرش زیبایی‌شناسی تحلیلی به موضوع شناخت محیط انتقادکرد و بر ظرفیت محیط به عنوان منبعی که می‌توان با بهره‌گیری از آن به نوعی تجربه زیبایی‌شناختی متفاوت دست یافت، تاکیدکرد. در واقع پارادایم زیبایی‌شناختی محیطی پارادایمی است که با تاکید بر نامحدود بودن محیط طبیعی و مصنوع پیرامون آدمی‌و اهمیت فهم انسان از آن، راه کسب تجربه زیبایی‌شناختی از محیط را هموارترکرده است. این تجربه می‌تواند درست به‌اندازه تجربه‌ای که از هنر و آثار هنری بدست می‌آید، به لحاظ عاطفی و شناختی غنی و ارزشمند باشد.

از سوی دیگر طراحی شهری به شکل امروزی و به عنوان حرفه، علم و هنری در خدمت انسان، وظیفه ارتقاکیفیت محیط زیست شهری آدمی‌را - چه طبیعی و چه انسان ساخت - برعهده دارد. دانش طراحی شهری به عنوان یک رشته دانشگاهی، به طور مشخص در دهه‌های میانی قرن گذشته میلادی و به دنبال همه گیر شدن اثرات مخرب ناشی از نگرش تک‌ساحتی به انسان و شهر پا به عرصه وجودگذاشت. نتایج ناشی از تسلط تفکرات مدرنیستی بر انسان و شهر از یک سو و بروز جنگ جهانی دوم و ویرانی شهرها در غرب از سوی دیگر، در پیشرفت سریع این رشته تاثیر به سزایی داشته است. این حرفه امروزه درکشورهای در حال توسعه چون ایران که با مشکلات‌کالبدی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از صنعتی شدن در شهرهای خود رو به رو هستند، مورد توجه بسیار قرارگرفته است. به واقع هدف عمده این دانش برقراری تعادل در رابطه بین انسان و محیط پیرامون اوست. چرا که انسان همواره با محیط اطراف خود در رابطه و تعامل بوده و احساس، ادراک و شهود جنبه‌های مختلف آن را از راه حواس خود، به ویژه حس باصره، در دستورکار خود داشته است. محیط پیرامون انسان از عوامل و پدیده‌های طبیعی، عناصر انسان‌ساخت و محصول توسعه و رشد جوامع انسانی و کنش متقابل بین پدیده‌های طبیعی و انسان‌ساخت شکل گرفته‌است. در واقع انسان همواره رابطه‌ای نزدیک، مستقیم و بدون واسطه با محیط پیرامون خود داشته و در این رابطه متعامل و پویا، هم استفاده‌کننده از محیط، هم خلق‌کننده محیط و هم متاسفانه تخریب‌کننده محیط بوده‌است. امروزه نتایج حاصل از استفاده نامطلوب انسان از محیط طبیعی و انسان‌ساخت اطراف خود، علاوه بر مشکلات کالبدی و عملکردی، زمینه گسست پیوند معنایی - ادراکی میان انسان و شهر را بیش از پیش فراهم آورده است. از اینرو طراحی شهری به عنوان حرفه، دانش، علم و هنری که وظیفه ارتقاکیفیت محیط زیست طبیعی و مصنوع آدمی‌را برعهده دارد، تلاش دارد تا با استفاده از تکنیک‌های طراحی‌محور و تاکید بر ترجیحات انسانی، زمینه پیوند معنایی- ادراکی میان شهر و شهروندان را فراهم آورد. در مباحث طراحی شهری و در فرآیند بهبودکیفیت محیط، ارتقاکیفیت‌های زیباشناختی محیطی در عرصه‌های عمومی‌شهری از جایگاه والایی برخوردار است. با توجه به آنچه‌گفته شد بازشناخت ابعاد و عناصر زیبایی شناسی محیطی فرم ضروری به نظر می‌رسد. از اینرو این نوشتار با استفاده از

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

روش‌های تحقیق توصیفی تحلیلی و موردی و شیوه‌های تحقیق مرور متون، منابع و اسناد تصویری و از طریق بازخوانی و تحلیل ویژگی‌های استخوانبندی اصلی شهر اصفهان، به ارائه ابعاد و عناصر زیبایی شناسی محیطی فرم شهر پرداخته است.

چارچوب مفهومی موضوع پژوهش

رویکردهای اصلی در زمینه فرم، فرم شهر و استخوان‌بندی اصلی در طراحی شهری

در مورد مفهوم فرم، دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول معتقد به وجود فرم در برابر محتوا است. در واقع بر اساس این دیدگاه، که تفکری قدیمی است، فرم یا صورت، شکل یک پدیده و محتوا همان عملکرد یک پدیده است. اما در دیدگاه دوم فرم، ظاهر، ساختار، چگونگی و نحوه رشد محتوا و تجسم و بیان آن است. از این دیدگاه تعریف زیباشناختی فرم عبارت است از تظاهر حسی و واضح و قابل احساس یک پدیده که خود را در معرض قضاوت قرار می‌دهد. در جدول شماره ۱ مفاهیم مرتبط با این دو دیدگاه در زمینه فرم بیان شده است.

جدول ۱. دیدگاه‌های مختلف در مورد فرم و مفاهیم مرتبط با آن؛ ماخذ: نگارندگان با استفاده از منابع گوناگون.

بنیان فکری دیدگاه		تعاریف فرم
دیدگاه اول	فرم در برابر محتوا است. (فرمالیسم)	فرم به طور کلی شکل یا ساختار یک چیز منفک از موادی که آن را ساخته‌اند و منفک از مضمون یا محتوای آن است. فرم به عنوان اصطلاحی در زیبایی‌شناسی، به عناصر مفهومی یک کار هنری و به ارتباطات میان عناصر مزبور اشاره می‌کند. فرمالیسم آن دکترین زیباشناختی است که در آن این عناصر فرمال و مرتبط با هم، جایگاه اصلی ارزش زیباشناختی را می‌سازند. ارزشی که مستقل از ویژگی‌های دیگر یک اثر هنری مانند معنا، مرجع یا سودمندی آن می‌باشد (Enc. Of Aesthetics, ۱۹۹۸, ۲۱۳). در واقع هرگونه نقدی که نفس یک اثر هنری، و نه سازنده و مخاطب آن را، به عنوان موضوع اصلی خود مورد توجه قرار دهد و نحوه ساخته شدن اثر را مطالعه کند، سر و کارش با ویژگی‌های فرمی آن خواهد بود (شپرد، ۱۳۷۷، ۷۳). از جمله ویژگی‌های فرمی در معماری می‌توان از تقارن، تناسب، وزن بصری، ریتم، غلبه خطوط عمودی یا افقی در کل ترکیب‌بندی و از ویژگی‌های فرمی در شهرسازی می‌توان از میزان محصوریت، وجود محور، میزان اوج و فرود و شکل خط آسمان، بود و نبود تجانس و تشابه در نماهی ساختمان‌های به وجود آورنده فضای شهری نام برد.
دیدگاه دوم	فرم چگونگی و بیان محتوا است.	تجزیه یک پدیده به فرم و محتوا فقط به صورت انتزاعی امکان‌پذیر است. هیچ فرمی را بدون محتوا نمی‌توان تصور کرد و نه محتوائی را می‌توان بدون فرم تخیل کرد. فرم جنبه قابل احساس یک پدیده است. فرم همیشه حالتی کالبدی ندارد. فرم، ظاهر، ساختار، چگونگی و نحوه رشد محتوا و تجسد و بیان آن است. تعریف زیباشناختی فرم عبارت است از تظاهر حسی و واضح یک پدیده که خود را در معرض قضاوت قرار می‌دهد. (گروتر، ۱۳۸۳) عنصر زیباشناختی یک اثر نه فقط در فرم آن که درمحتوای آن نیز وجود دارد. منظور از تظاهرحسی، ظاهر بالقوه یک پدیده است که در فرایند ادراک خود را بالفعل نموده، توسط انسان احساس می‌شود. این عینیت پس از ادراک و تجربه توسط انسان ارزشگذاری شده و فرد در مقابل آن عکس‌العمل عاطفی و عقلی نشان می‌دهد. (پاکزاد،۱۳۸۶، ص ۵۰-۵۸) فرم یا صورت، کلیتی است وحدت یافته از شاخص‌های کالبدی و غیرکالبدی. جنبه کالبدی فرم دارای شکل، رنگ گشتالت، بافت، پیکره، جایگاه، جهت (وضع قرارگیری)، تعادل بصری (درجه سختی و نرمی)، ساختار و غیره می‌باشد. منحصر کردن فرم به شکل نه فقط مجاز نیست، بلکه تالی فاسد خود را به همراه دارد. مهمترین آن گریبانگیر طراحانی است که معماری و طراحی شهری را، فقط تأثیرگذاری بر وجوه کالبدی و بدتر جنبه‌های بصری کالبدی می‌پندارند (زیرا شکل یک امر بصری است). فرم یا صورت خود را در سه بعد مطرح کرده و فقط در قالب زمان و مکان ادراک می‌شود. (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۱-۷۴)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

از سوی دیگر شهر به عنوان ساختاری مصنوع، یک محیط محسوب می‌گردد و محیطی است که مستقل از شخص ادراک کننده عمل می‌کند. انسان در برخورد با محیط شهری با انبوهی از اطلاعات در زمینه‌های مختلف روبروست که می‌تواند اطلاعات را برداشت، اندازه‌گیری، توضیح و شمارش کند. این اطلاعات معرف مشخصات واقعی شهر و واقعیتهای موجود در محیط می‌باشند. این اطلاعات در مجموع در ادبیات طراحی شهری به «فرم شهر» معروفند. البته لازم به ذکر است که منظور از «فرم شهر» به عنوان یک اصطلاح را نمی‌بایستی با منظوری که از اصطلاح «فرم» میان کلیه طراحان از نقاشی گرفته تا معماری و طراحی شهری می‌رود اشتباه گرفت. در اولی که واژه‌ای ترکیبی است و منظور کلیه اطلاعات محیطی است؛ در صورتی که در دومی منظور از «فرم»، ظاهر یا صورت در مقابل محتوا می‌باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۵).

در واقع فرم شهر از کلیه عناصر و اجزای کالبدی و قابل رویت شهر شکل می‌پذیرد و متشکل از عناصر طبیعی و مصنوع می‌باشد. فرم شهر ماهیتی ترکیبی و سه بعدی دارد. کوچکترین اجزا و عناصر مصنوع این ترکیب، ساختمان‌ها، شبکه راه‌ها، فضای باز و تاسیسات شهری می‌باشند. عناصر عمده محیط طبیعی، مثل ناهمواری‌های زمین، جریان‌های آبی، و پوشش گیاهی، در چگونگی و فرم ترکیب عناصر کالبدی دخالت دارند. فرم مشخصه‌ای سه بعدی است، بدین معناکه نه تنها در سطح، بلکه در حجم نیز متبلور است. هرکدام از عناصر شهری که به منزله یک سلول شهری می‌باشند، به تنهایی «فرم» ویژه خود را دارند. ترکیب مجموعه‌ای از آنها نیز به پدید آمدن یک «فرم شهری» منجر می‌شود (حمیدی، ۱۳۷۲، ص ۴۲۳-۴۲۴). در همین زمینه مورفولوژی شهری، مطالعه فرم و شکل سکونتگاههاست و باعث می‌شود که طراحان از الگوهای مکانی توسعه و فرایندهای تغییر و تحول آگاه شوند. کار ابتدایی و اصلی در این نوع مطالعات متمرکز بر تحلیل تکامل و تغییر در فضای شهری سنتی است. مورفولوژی شهری نشان میدهد که سکونتگاهها را می‌توان توسط عناصر کلیدی ای چون کاربری‌های زمین، ساختارهای ساخت و ساز، الگوی قطعات و الگوی خیابان مورد بررسی قرار داد و بر تفاوت دوام و طول عمر این عناصر تاکید می‌کند به طوری که الگوی خیابان پردوامترین و کاربری کم دوامترین و متغیرترین آنها می‌باشد. در واقع هرچه مقیاس عنصر بزرگتر باشد، دوام آن بیشتر است و تغییر و تحولات در آن زمان بیشتری می‌برد. (Carmona, 2006, p63).

از اینرو «فرم شهر» شامل کلیه عناصر محیطی است که انسان بطور بالقوه می‌تواند در ارتباط با آن قرار گیرد. بنابراین کلیه اطلاعات واقعی در محیط شهر، «فرم شهر» نامیده می‌شود. عناصر تشکیل دهنده «فرم شهر» می‌تواند مادی یا غیرمادی باشند. به همین خاطر کلیه جنبه‌های عملکردی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی و کالبدی یک محیط یا یک شهر را شامل می‌گردد. در وادی طراحی شهری فرم شهر نه فقط ظاهر یا کالبد یک فضا، بلکه معنا، فعالیتها و کاربریهای منتج از آنان را نیز شامل می‌گردد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۶). انواع فرم شهر را از زوایای گوناگونی می‌توان بررسی کرد. کوین لینچ در کتاب شکل (فرم) خوب شهر، فرم شهر را از دید شکل کلی شهر؛ از دید مکان‌های مرکزی؛ از دید بافت و ساخت شهر؛ از دید نوع شبکه‌های ارتباطی؛ از نظر فضاهای باز عمومی؛ و از نظر سازمان زمانی (و نه فضایی) شهر بررسی کرده‌است. به واقع فرم شهر برآیند نیروهای اقتصادی، تاریخی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه است که خود را در کالبدی سه بعدی نمایش می‌دهد. جان جامعه انسانی در جسم فرم شهری نمودار می‌شود. نوع درآمدهای اقتصادی، جریان سرمایه، تحولات و پیشینه تاریخی یک شهر به همان اندازه در شکل و فرم بیرونی آن متجلی می‌شود که نوع حکومت، شیوه‌های اداره‌ی جامعه، سلیقه ی زیبایی شناختی مردم و فناوریهای ساخت جامعه. اهمیت فرم شهر، به خاطر نقشی است که فرم شهر می‌تواند در تحقق اهداف یک شهر بر عهده داشته باشد؛ چراکه بین بعضی از اهداف شهر و فرم شهر رابطه مستقیم وجود دارد. بعضی از اهداف مثل اهداف دفاعی و امنیتی، تاثیر مستقیم و بعضی دیگر مثل اهداف اقلیمی و جغرافیایی، تاثیر ضمنی بر فرم شهر می‌گذارند. (طیبی و غفاری، ۱۳۸۹) بدین ترتیب اگر بپذیریم که ایجاد تصور ذهنی از محیط شهری ایجاد حس جهت‌یابی، بالا

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

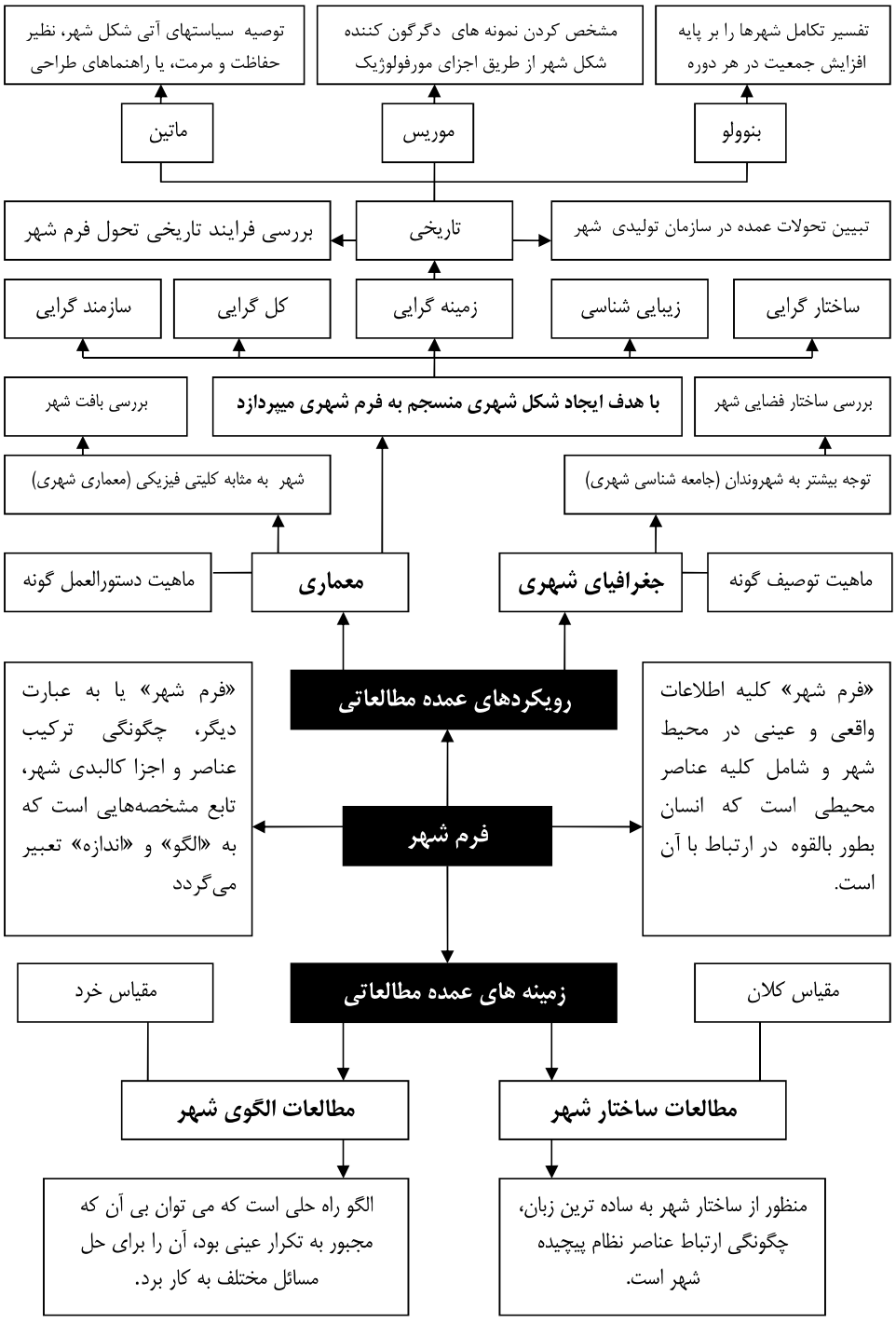
بردن راندمان وکارایی شهر، ایجاد حس ایمنی، امنیت و شادی و به طور خلاصه‌کلیه‌کارکردهای بصری- ادراکی، یکی از دوکاربرد اصلی مقوله ای است‌که اصطلاحا فرم شهر نامیده می‌شود بدین ترتیب اهمیت فرم شهر، به عنوان ظرفی‌که امکان می‌دهد تا فعالیت‌های شهری در آن وقوع بپیوندند، بیش از پیش آشکار می‌گردد. (جورابچی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵- ۱۶۶).

در زمینه رویکردهای مختلف در زمینه فرم شهر باید گفت‌که رویکردهای عمده،که از دو حوزه ی مطالعاتی گوناگون به فرم شهر می‌پردازند، جغرافیای شهری و معماری هستند. تفاوت میان ماهیت توصیف گونه ی اولی و ماهیت دستور العمل‌گونه ی دومی، زمانی‌که هر دو بر پدیده‌های شهری متمرکز می‌شوند، به حداقل می‌رسد. جغرافیا،که با توصیف پدیده‌ها بر سطح کره ی زمین، کارش را آغاز کرده بود، در زمینه ی جغرافیای شهری تا سطح مطالعات درون شهری، باریک بین شد. از سوی دیگر، معماری‌که در ابتدا، عمدتا متوجه طراحی و ساخت ساختمان‌های منفرد بود، دامنه اش را گسترده کرد تاکل شهرها را پوشش دهد. صرف نظر از این نقاط مشترک، رویکردهای متفاوت شان به درک پدیده‌های شهری، که در زمینه‌های متفاوت مورد علاقه شان انعکاس یافته است، آن‌ها را از هم جدا نگه داشته، و شکافی میان آن دو برجا گذاشته است. در حالی که معماری شهری معمولا شهر راکلیتی فیزیکی می‌بیند، جغرافیای شهری، درکنار جامعه شناسی شهری، بیشتر توجه اش را معطوف مردمی‌کرده است‌که دراین بافت زندگی می‌کنند. بدین طریق، جغرافیای شهری متوجه بررسی ساختار فضایی شهر است تا بررسی بافت شهر،که درحوزه‌کاری معماری شهری قرار دارد (مدنی پور، ۱۳۷۹، ص ۴۹) در نمایه شماره ۱، رویکردهای مختلف در زمینه فرم شهر دسته بندی شده است.

پس از شناخت مفاهیم فرم و فرم شهر و در زمینه مطالعات ساختار شهر (به عنوان یکی از زمینه‌های مطالعاتی اصلی فرم شهر) به بررسی مفهوم و ویژگی‌های ساختار اصلی یا استخوان‌بندی اصلی شهرها و نقش آن در هویت بخشی به ساختارکالبدی شهر پرداخته شده‌است. استخوان‌بندی اصلی شهر به محدوده‌ای خاص از شهرکه در آن تمرکزهایی کالبدی و فعالیتی و فضایی وجود دارد، اطلاق می‌شود؛ مجموعه‌ای مرکب از یک ستون فقرات و شبکه‌ای به هم پیوسته از بناها و فعالیت‌ها وکاربری‌ها و عناصر مختلف و متنوع شهری‌که شهر را درکلیت آن انسجام می‌بخشد و شالوده سازمان فضایی-کالبدی شهر را به وجود می‌آورد و مبین خصوصیات کلی شهر است. عناصر به وجود آورنده استخوان‌بندی اصلی، در سه گروه: ۱- عناصر کالبدی: (دسترسی‌ها، بناهای شاخص و با ارزش عمومی، بافت‌ها و حوزه‌های همگن با ارزش تاریخی و غیره)؛ ۲- عناصر عملکردی و فعالیتی و ۳- عناصر فضایی- بصری نمادین و معنایی قابل تقسیم است (حمیدی، ۱۳۷۶، ص ۱-۳). سازمان فضایی استخوان‌بندی اصلی در سه حالت صورت می‌پذیرد: ۱- هندسی منتظم (دایره، مربع، چندضلعی منتظم و غیره)؛ ۲- ارگانیک و اندام‌وار؛ و ۳- مرکب که حاصل ترکیب دو حالت هندسی و ارگانیک است. در نحوه قرارگیری و سازمان فضایی عناصر استخوان‌بندی اصلی و رشد وگسترش این عناصرکه در نهایت موجبات گسترش شهر را فراهم می‌آورند، عوامل طبیعی و مصنوع در شهر و پیرامون آن و همچنین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و عملکردی شهر نقش موثری دارند. ذکر این نکته لازم است‌که استخوان‌بندی اصلی شهر در هنگام رشد و توسعه شهر، معمولاً به دلیل عوامل تاثیرگذار بالا، از مدل مرکب تبعیت می‌کند. تراکم‌کالبدی و عملکردی، همچنین تداوم بصری و فیزیکی استخوان‌بندی اصلی باید متناسب با نیازهای شهر و شهروندان و استفاده‌کنندگان از محیط و پاسخگوی این نیازها باشد. همچنین نسبت توده به فضای عمومی شهری و سازگاری و تناسب فرم شهری و فعالیت در محدوده‌ی استخوان‌بندی اصلی باید از الگوهای متنوع و در عین حال منحصر به فردی تبعیت‌کند تا ساخت اصلی شهر از تمایزی شاخص با دیگر بخش‌های شهر برخوردارگردد و موجبات تشکیل حوزه‌ای همگن و هماهنگ در محدوده ساخت اصلی را فراهم آورد. استخوان بندی اصلی شهر به عنوان یک‌کلیت و عناصر آن به عنوان اجزای این‌کلیت، مؤلفه‌های هویت دهنده‌ی شهر به‌شمار می‌آیند و به

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

سبب نقشی که در به وجودآوری تصویر ذهنی از شهر و ایجاد خاطره‌ی مطلوب از آن در ذهن ناظر برعهده دارند، از عوامل اصلی خوانایی و جهت یابی هستند. در واقع ساخت اصلی شهر مانند یک شبکه ارتباطی، وظیفه انتقال پیام و اطلاعات بصری، فضایی، عملکردی و معنایی را به شهروندان و بازدیدکنندگان بر عهده دارد.



نمایه ۱: رویکردها در زمینه فرم شهر؛ ماخذ: نگارندگان با استفاده از منابع گوناگون.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

ابعاد زیبایی شناسی محیطی در طراحی شهری

زیبایی همیشه با تحسین بشر همراه بوده است (McGann, 2004). گویا انگیزه زیبایی‌شناسی عمیقاً در طبیعت انسان جا گرفته و آن را به سادگی نمی‌توان از حیات پیچیده ذهنی وی که وجه تمایز انسان از حیوان است، جدا کرد (هاسپرز و اسکرتن، ۱۳۸۰، ص ۸۲). برای زیبایی‌شناسی تعاریف و مصادیق فراوانی برشمرده‌اندکه همگی در جای خود درست اما از جهاتی ناقص است؛ در فرهنگ «اصطلاحات فنی و نقادانه فلسفی» لالاند، زیبایی شناسی دو معنا در بر می‌گیرد: «۱ـ هر آنچه به زیبایی مرتبط شود و هر آنچه منش زیبایی را تعریف‌کند؛ ۲ـ علمی‌که موضوعش داوری و ارائه حکم، درباره تفاوت میان زیبا و زشت باشد» در «لغت نامه دهخدا» زیبایی شناسی، شناختن زیبایی و رشته‌ای از روانشناسی است که هدفش شناسانیدن جمال و هنر است. در فرهنگ «زبان فلسفی فولکیه»، زیباشناسی دانش اثباتی است‌که موضوعش زیبایی هنری باشد و مترادف با فلسفه هنر انگاشته شود (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۶). «زیبایی» نمودی از پدیده است‌که پس از ادراک توسط حواس و انتقال به مرکز اندیشه یا مشاهده‌ادراک‌کننده، آن خاصیت را دارد که واکنش‌هایی مبتنی بر تجربه‌های اندوخته شده را برانگیزد (نیوتن، ۱۳۶۶، ص ۲۷۵). در چیستی زیبایی، «گروتر» بر این نکته اشارت دارد‌که زیبایی معماری را می‌توان پیامی‌به سوی حواس یا پذیرنده‌های دریافت کننده زیبایی دانست‌که از پرت اطلاعاتی‌کافی برخوردار باشد یعنی میزان بداعت آن یا محتوای زیبا شناختی از حداکثر دریافت ذهنی‌کمی بیشتر باشد (گروتر، ۱۳۸۳). زیبایی‌شناسی یا استیتیک از واژه یونانی aisthetikos به معنی ادراک حسی گرفته شده و بُن آن واژه Aistheta به معنای مورد ادراک حسی یا چیز محسوس است. ریشه این لغات واژه لاتین Esthetique بوده‌که امروزه در تمام زبان‌های اروپایی استفاده می‌شود و اولین بار توسط فیلسوف آلمانی الکساندر گوتلیب بومگارتن درکتابی به همین نام در سال‌های ۵۸-۱۷۵۰ به‌کار برده شد (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۰). در واقع واژه زیبایی شناسی (Aesthetic) به معنای شناخت حاصل از راه حواس، یعنی همان معرفت حسی را نخستین بار الکساندر باو مگارتن در قرن هجدهم به‌کار برد. او بعدها از این واژه در اشاره به ادراک زیبایی به‌کمک حواس، به ویژه در هنر بهره جست. کانت با کاربرد این واژه در احکام زیبایی‌شناسی در هر دو عرصه‌ی هنر و طبیعت به آن جانی تازه بخشید. دامنه این مفهوم در ادوار متأخر بار دیگر گسترده‌تر شده است. اکنون این واژه را نه تنها در توصیف داوری‌ها یا ارزیابی‌ها، که در مورد ویژگی‌ها، نگرش‌ها، تجربه و لذت یا ارزش نیز به کار می‌گیرند و دیگر آن را به زیبایی صرف محدود نمی‌سازند.

زیبایی شناسی محیطی، پیوندی چندحسی و فراگیر با محیطی است‌که انسان‌ها از اجزای اصلی آن هستند. در زیبایی‌شناسی محیطی، هنگامی‌که احساس زیبایی یا تعالی در حد بالایی قرار گیرد، تجربه زیبایی می‌تواند بسیار قوی و دارای تحریکات ذهنی ارزشمندی باشد. در اینگونه زیبایی شناسی، زیبایی یا تعالی می‌تواند احساس لذتی روزمره و معمولی در اطراف انسان باشدکه بیشترین حد آن در محیطی است که با کیفیت‌های همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن همراه است. در نظریه زیبایی‌شناسی وایتهد بیان می‌شود که بزرگی یا تنوع تباین‌ها، همراه با خصوصیت شدت یا بزرگنمایی قیاسی، بدون نیاز به تنوع کیفی، قادرند محیطی قدرتمندی ایجاد کنند. در واقع در زیبایی شناسی محیطی، کیفیت‌های همبستگی، پیچیدگی و مرموز بودن با یکدیگر ترکیب می‌شوند تا به زیبایی و تعالی در محیط پیرامون انسان معنا بخشند. (بل، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳-۱۲۶) با مرور تحقیقات انجام شده در حوزه زیبایی‌شناسی فرم و منظر شهری در نیم قرن اخیر مشخص می‌شودکه مباحث زیبایی‌شناسی در این حوزه، از مقوله‌ای با تاکیدات بصری ـ هنری به مقوله‌ای با گرایش‌های ادراکی ـ معنایی تغییر جهت داده است. این موضوع در تغییر از سبک پیتورسک به گرایشات معناشناسانه در زیبایی‌شناسی فرم و منظر شهری به خوبی نمایان است. پیتورسک با تاکیدی معمارانه بر جنبه‌های بصری ـ هنری منظر از جمله توجه به‌کثرت و تنوع، مقیاسی انسانی، طبیعت‌گرایی و نظمی ارگانیک در فرم و ترکیب رنگ، توسط افرادی چون زیته، گیبرد، و هالپرین رواج می‌یابد (Ibid, 6).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

(Sitte, 1945; Gibberd,). برخلاف مدرن‌گرایانی که «معماری شی‌گونه» را تبلیغ می‌کنند، کالن به «هنر ارتباطات» اهمیت می‌دهد، تجربه مکان را با حرکت درهم می‌آمیزد و دیدهای متوالی از محیط شهری را مطرح می‌کند (کالن، ۱۳۷۷). رویکرد کالن علیرغم بداعتش در زمینه ادراک زیبایی در حین حرکت، به دلیل تاکید بر جنبه‌های ادراکی ـ احساسی شخصی از تجربه منظر شهری مورد انتقاد قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، زیبایی‌شناسی شهری قابلیت رقابت با دیدگاه‌های جیکوبز و نیومن که در رده‌های ۶۰ و ۷۰ در علوم اجتماعی و علوم رفتاری توسعه می‌یافتند (1972; Jacobs, 1961 Newman,) یا نظریه‌های پدیدارشناسانه شامل کارهای رلف یا جکسون (Relph, 1976; Jakson, 1980)، و یا مبانی نظریه‌ای و فلسفی کارهای نوربرگ شولز (1980 Norberg- Schulz,) در دهه بعد را نداشت. این مفاهیم فکری جدید و توجه به ابعاد مختلف طراحی شهری، بحث‌های زیبایی‌شناسی و به طور خاص پیتورسک و رویکرد کالن را تضعیف کرد و مطالعات زیبایی‌شناسی فرمی‌منظر شهری را به حاشیه راند. به تدریج زیبایی‌شناسی منظر شهری از حوزه تاکیدات عینی و احساسی و تخصص‌گرایانه مربوط به‌کیفیات بصری یعنی فرم، رنگ و بافت به حوزه مطالعات ادراکی ـ ذهنی از محیط شهری انتقال یافت. به همین دلیل، نظریه‌های زیبایی‌شناسی فرم و منظر شهری بیش از آنکه در حوزه کالبدی طراحی شهری مطرح شود در حوزه مطالعات روانشناختی محیط بسط می‌یابد از آن جمله می‌توان به نظریه بقای اپلتون در ترجیحات زیبایی اشاره کرد که ارتباطی بین شرایط مناسب برای بقا و زیبایی جستجو می‌کند (Appelton, 1984). استفان کپلان در نظریه تکاملی وی بر اطاعات مردم و میزان آشنایی با منظر، جهت‌یابی، و کشف اطلاعات جدید در ترجیح زیبایی تاکید دارد (امین زاده، ۱۳۸۹، ص ۳-۱۴).

در دیدگاه زیبایی شناسی محیطی، فضای شهری، فضایی است که زیبا باشد و معیارهای زیبایی‌شناسانه در ایجاد آن دخالت داشته باشند و این یعنی مترادف بودن طراحی شهر با خلق فضای زیبای شهری. طبیعی است که با پذیرش این نظریه، نباید جهان‌بینی و تفکری راکه بنیاد **«قواعد زیبایی‌شناسی»** خواهد بود، مغفول نهاد و در حقیقت این جهان‌بینی است که معیارهای زیبایی فضای شهر را سامان خواهد داد و فضاهای شهری در تمدن‌های مختلف را متمایز خواهد نمود. بنابراین تقلید از قواعد زیبایی‌شناسی دیگران زمینه‌ساز از خود بیگانگی و بحران هویت خواهد شد (نقی‌زاده، ۱۳۸۱). در روند ایجاد محیط و فضای زیبا در شهر توجه به نکات زیر به عنوان اساس کار ضرورت دارد: باید توجه کرد که مفاهیمی چون زینت و تزئین و آرایش، جایگزین زیبایی نشوند (نقی‌زاده، ۱۳۸۴، ب). در زیباسازی شهر یا ایجاد شهر (فضا و محیط) زیبا، نباید تنها بر زیبایی صوری متمرکز بود و سایر مراتب زیبایی را مغفول نهاد. در حقیقت مجموعه‌ی مراتب زیبایی یک شهر باید علاوه بر ادارک حسی انسان و ابزار این ادراک، سایر قوای مدرکه‌ی او را نیز متأثر نموده و در واقع، علاوه بر ادراک حسی، ادراکات روانی و معقوی و باطنی انسان نیز باید زیبایی شهر را به انسان القاء کنند. زیبایی باید بومی‌و ملی (برآمده از فرهنگ و جهان‌بینی جامعه) و به عبارت ساده «با هویت» باشد و به تعبیر دیگر هویتش با هویت جامعه هماهنگ باشد تا جامعه بهتر بتواند آن را درک و با آن رابطه برقرار کرده و در اثر تماس با آن احساس هویت و استقلال نماید. بزرگترین اشکال تکرار و تقلید الگوهای زیبایی مأخوذ از الگوهای بیگانه (یا زیبایی‌های خلق شده با معیارهای اجنبی)، ایجاد بحران هویت و از خود بیگانگی و احساس حقارت در جامعه است. معیارهای مراتب مختلف زیبایی باید در دسترس و مورد شناخت طراحان و برنامه‌ریزان و مدیران و اهل شهر باشند تا امکان ارزیابی زیبایی و تعیین مرتبه آن و همچنین شناسایی ساحتی از حیات انسان که زیبایی، ما بازاء و مرتبط با آن است وجود داشته باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۸۰ -۲۹۳). دو مکتب فکری برای درک زیبایی قابل تعریف هستند. یکی عوامل ادراکی در زمان ادراک را مد نظر دارد و دیگری عوامل غیرادراکی، مثل فرهنگ، دانش علمی و الگوها را موثر می‌داند. با توجه به منابع دریافت اطلاعات انسان، با ملحوظ داشتن آرمان و ایده‌آل‌های انسان که از جهان‌بینی و فرهنگش سرچشمه می‌گیرند و با عنایت به ادراکات انسان، می‌توان عواملی را

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

به عنوان عوامل ادراک زیبایی معرفی نمود. به عبارت دیگر، عواملی قابل طرح هستندکه انسان‌هایی با تفکر، فرهنگ، محیط و آرمان‌های متفاوت، آن عوامل را به عنوان عامل درک زیبایی می‌شناسند و در هر صورت (با شدت و ضعف متفاوت) آنها را عامل زیبا بودن یک پدیده به شمار می‌آورند. برخی عوامل موثر بر ادراک زیبایی شهر عبارتند از: وحدت، تجرد، حیات، تناسب، رنگ، حس‌کمال، ارتباط با تاریخ،کمال مطلوب، ارضای نیازها، تخیل ناظر، تعصبات، ارزش‌ها، ممارست،کرامت انسان، ارزش‌گذاری، توجه به‌کلیت، اقناع ادراکات حسی، نماد و نشانه و رمز و معنا، تازگی و طراوات، سلیقه، شلوغی و ازدحام، آگاهی دادن، بری بودن از زشتی‌ها (همان، ص ۲۹۳- ۳۰۲). با توجه به آنچه گفته شد امروزه توجه به زیبایی شناسی محیطی، تبیین مؤلفه‌های آن و استفاده از این مؤلفه‌ها در تحلیل فضاهای شهری از ضروریات طراحی شهری است. گلکار، مؤلفه‌های زیباشناختی محیطی در طراحی شهری را شامل موارد زیر می‌داند:

۱. مؤلفه‌های بصری- زیباشناختی محیط کالبدی- فضایی (محیط عینی) شامل استخوان‌بندی فضایی، سازمان‌کالبدی، جایگشت، توده- فضا، نقشه نولی، مواد و مصالح و غیره؛

۲. مؤلفه‌های بصری- زیباشناختی محیط ادراکی حسی (محیط ادراکی) شامل کیفیت منظر عینی، تحلیل ساختاری نمای شهری و غیره؛ و

۳. مؤلفه‌های بصری- زیباشناختی محیط ادراکی ذهنی (محیط شناختی) شامل کیفیت منظر ذهنی (فضایی و زمانی)، منظر ذهنی ارزیابانه، معانی انضمامی، سرزندگی و غیره (گلکار، ۱۳۸۰، ص ۳۸-۶۵).

نگارندگان این نوشتار بر این عقیده هستندکه ابعاد زیبایی شناسی محیطی در طراحی شهری به دو گروه اصلی ابعاد بصری- فرمی‌و ادراکی- معنایی تقسیم میشوند. ابعاد بصری- فرمی دربرگیرنده‌ی خصوصیات بصری محیط کالبدی مانند فرم و منظر عینی شهری و ابعاد ادراکی- معنایی دربرگیرنده‌ی خصوصیات ادراکی محیط اجتماعی و رفتاری مانند سیما و منظر ذهنی شهر هستند.

استفاده از ابعاد زیبایی شناسی محیطی در استخوانبندی اصلی شهر اصفهان

چنانچه فرم شهرهای کهن در نقاط مختلف جهان بررسی شود، در بسیاری از آنها وجود یک استخوان‌بندی مشخص مشهود است که مؤید نقش و اهمیت استخوان‌بندی اصلی نه تنها در ادامه حیات شهر بلکه در رشد و یافتن نظم و سازمانی فضایی است. به نظر می‌رسد یکی از وجوه مشترک در شکل‌گیری، بقا و احیای استخوان‌بندی اصلی شهرها، استفاده از مؤلفه‌های زیبایی شناسی محیطی (بصری- فرمی‌و ادارکی- معنایی) در طراحی شهری و سازماندهی فرم اینگونه شهرها باشد. در جدول شماره ۳ استخوان‌بندی اصلی شهر اصفهان و نقش ویژگی‌های زیبایی‌شناسی محیطی در شکل‌گیری فرم آنها تحلیل شده‌است. تاریخ اصفهان از دو هزار و پانصد سال پیش شروع شد. این شهر در دوران حکومت آل بویه، سلجوقیان و صفویه پایتخت بوده است. ابن‌حوقل (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ص ۱۰۹) (قرن چهارم‌هجری)از دو بخش در اصفهان نام می‌برد، یکی موسوم‌به«یهودیه» و دیگری‌موسوم‌به «شهرستان» و میان‌آنها دو مایل‌فاصله‌است. یهودیه بزرگتر از شهرستان و در حدود دو برابر آن است. جی شهری حکومتی با طرح پیش آماده شده، تابع نظم هندسی با دیوار و دروازه‌ها و کاخ‌ها و بناها و باغ‌های معین بوده است. میدان بیرون دروازه‌ی یهودیه، حتی برعکس جانشین آن، میدان کهنه، می‌بایست دارای طرحی هندسی بوده باشد. در مقابل یهودیه شهری بدون هندسه‌ی منظم، بدون طرحی از پیش آماده شده بوده است و بناهای عمده آن، از جمله کنیسه‌ها، در روند شکل‌یابی از درون به بیرون از نظم هندسی تابعیت‌کرده و با (بی‌نظمی) بیرونی پیوند می‌خورند. این روند در سراسر توسعه‌ی شهر اصفهان تا قبل از صفویه مشاهده می‌گردد (میرفندرسکی، ۱۳۷۴، ص ۷-۱۲). اصفهان در دوران صفویه و حکومت شاه عباس اصفهان پس از قزوین پایتخت صفویه می‌گردد. در سفرنامه‌ها آمده است در دوران حکومت شاه‌عباس شهر اصفهان یکی از توسعه یافته‌ترین شهرهای ایران بوده و این شهر دارای خیابان‌های عریض، میدان‌های بزرگ، مساجد وکاخ‌های

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

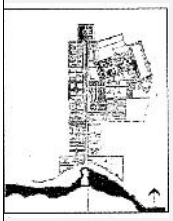
پادشاهی متعدد بوده است که تعدادی از آن‌ها همچنان باقی است. توجه شاه عباس به توسعه و تکامل و زیبایی اصفهان برای رقابت با پاریس و لندن آن زمان نبوده است، بلکه هدف وی از رونق انداختن قسطنطنیه پایتخت دشمن درجه یک ایران بود. از اینرو تصمیم گرفت اصفهان راکه پایتخت امپراتوری صفویه بود چنان بیاراید که مورد توجه سیاحان، تجار و سفرای خارجی قرار گیرد (شفتی، ۱۳۸۱، ص ۲۸۹).

جمع بندی و نتیجه گیری

گفته شد که استخوان‌بندی اصلی هر شهر مشخصه‌ای بنیادی از فرم شهر است که نقشی قابل توجه در ثبات، تداوم، هویت، اصالت و معنی هر شهر دارد. همچنین دیده شد که ویژگی‌های زیبایی‌شناسی محیطی همواره نقشی برجسته در شکل گیری استخوان‌بندی اصلی شهرها داشته‌اند. همچنین در این نوشتار ابعاد زیبایی‌شناسی محیطی فرم شهر به دو گروه ابعاد بصری- فرمی و ابعاد ادراکی- معنایی تقسیم شده‌اند. این ابعاد عبارتند از:

۱. **ابعاد زیبایی شناختی- فرمی** شامل: کیفیت منظر طبیعی زمین و عناصر آن، کیفیت منظر توده‌ها و بناها و عناصر آنها، کیفیت منظر فضاهای عمومی و عناصر آنها، تداوم، تنوع فرم‌ها، کیفیت دیدها و چشم‌اندازها و

جدول ۳. تبیین نقش ویژگی‌های زیبایی شناسی محیطی در استخوان‌بندی اصلی شهر اصفهان. ماخذ: نگارندگان.

نام شهر	ویژگی‌های استخوانبندی شهر اصفهان در دوره صفویه	ابعاد زیبایی شناسی محیطی		چگونگی تاثیر مؤلفه‌های زیبایی شناسی محیطی
اصفهان، ایران 	شهر اصفهان در دوره صفویه چهاربخش‌اصلی تقسیم می شده است: بخش‌اول: شهرقدیم اصفهان و توسعهٔ آن بدست شاه عباس تا دروازهٔ حسن‌آباد در جنوب شرقی، بخش دوم شهر جدید صفوی : محلهٔ تبریز نو یا عباس‌آباد در غرب شهر قدیم؛ بخش سوم محلهٔ‌جلفا (ارمنی نشین) در جنوب غربی و بخش چهارم گبر آباد در جنوب شرقی. احداث محورشمالی- جنوبی چهارباغ از دروازه دولت تا باغ هزارجریب در دامنهٔ کوه صفه ، عاملی است در جهت پیوند و اتصال بخشهای چهارگانهٔ شهر. عملکردی که از دو محور اصلی شهر (چهارباغ و زاینده‌رود) و اتصال آن‌دو با یکدیگر پدید می‌آید، عملکردی تفریحی، عمومی، خصوصی و سلطنتی است. میدان نقش جهان و خیابان چهارباغ نقش ساختاری در شکل گیری بافت شهری دارند. این دو فضا ایجاد کننده دو شبکه متمایزاند که باغها و حیاطها را سازمان می‌دهند. میدان سازماندهی بافت تودرتوی دولتخانه را به‌عهده دارد درحالیکه خیابان چهارباغ تعیین کنندهٔ جهت باغهای کنارآن و زوایای شبکهٔ خیابان‌های عمودی محله شمس‌آباد، عباس‌آباد و چرخاب است.	ابعاد بصری- فرمی	کیفیت منظر طبیعی زمین و عناصر آن	○ وجود فضاهای هندسی، منظم و وسیع ○ وجود فضاهای متباین و تنوع فضایی ○ دیدها و چشم اندازهای محوری ○ هماهنگی با زمینه ○ وجود تنوعی از محصوریت فضایی ○ تاکید بر بناهای اصلی در فضاهای عمومی ○ استفاده از عناصر طبیعی (درختان و رودخانه) برای نظم دهی به فضا ○ تداوم و اتصال بافت‌های قدیمی‌تر و جدیدتر به یکدیگر ○ بدنه‌سازی های منظم با معماری خاص و تزیینات ویژه
			کیفیت منظر توده‌ها و بناها و عناصر آنها	
			کیفیت منظر فضاهای عمومی و عناصر آنها	
			تداوم	
			کیفیت دیدها و چشم‌اندازها	
			تنوع فرم‌ها	
			هماهنگی با زمینه	
		ابعاد معنایی- ادراکی	هویت	
			خوانایی	
			معنی	
			قابلیت ادراک	
			تصویر ذهنی منسجم	
			غنای فعالیت‌ها	
			محیط فرهنگی و اجتماعی	

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳
No.35 Summer 2014

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

هماهنگی با زمینه؛

۲. **ابعاد ادراکی- معنایی** شامل: هویت، خوانایی، معنی، قابلیت ادراک، تصویر ذهنی منسجم، سازی، محیط فرهنگی و اجتماعی، غنای فعالیت‌ها. در همین زمینه و در قالب جدول شماره ۴ ابعاد زیباشناسی محیطی (بصری- فرمی و ادراکی- معنایی) و انگاره‌های وابسته به آن‌ها تدقیق شده‌است.

جدول ۴. ابعاد زیباشناسی محیطی در طراحی شهری. ماخذ: نگارندگان.

ابعاد زیبایی شناختی محیطی		مفهوم
کیفیت منظر طبیعی زمین	شکل و فرم زمین	شکل زمین چگونه است؟ پستی و بلندی های آن چگونه است؟
	گیاهان و درختان	چه نوع درختانی در حوزه مورد نظر به کار گرفته شده‌اند؟ موقعیت مکانی، گونه‌ها، وضعیت، ابعاد.
	بافت زمین	جنس و مصالح سطح زمین چگونه است؟ آیا دارای ویژگی های قابل احساس و تاثیر گذار هست؟
	جهت گیری	نحوه ارتباط شیب زمین در سایت مورد نظر با بهره‌مندی از نور طبیعی و ویژگی های اقلیمی چگونه است؟
هماهنگی با زمینه	۴	معماری زمینه و بافت موجود چگونه است؟ آیا دارای قانونمندی‌های مشخص هست؟ آیا به این قانونمندی ها توجه شده است؟
	حفظ پیوستگی تاریخی	شکل گیری زمینه و بافت موجود در طول زمان چگونه بوده است؟ آیا نوعی تداوم و پیوستگی در دوره های مختلف به چشم میخورد؟
	الگوی توسعه	الگوی خیابان بندی بافت و جهت های توسعه چگونه است؟ آیا ویژگی های زمینه هماهنگ هست؟
	حفظ هویت کالبدی زمینه	آیا به حفظ جنبه ها و ویژگی های کالبدی تاریخی و هویتمند بافت در توسعه‌های بعدی توجه شده است؟
کیفیت منظر توده‌ها	رنگ و بافت	چه رنگ ها و بافت های شاخصی در ساختمان ها، سازه ها و سطوح حوزه مورد نظر دیده می شود؟
	تنوع نماها و جداره‌ها	چند گونه نمای شاخص در ساختمان های حوزه مورد نظر دیده می شود؟ آیا این گونه ها متنوع هستند؟
	عناصر ساختمانی ویژه	آیا عناصر ساختمانی خاص (پنجره ها، درها، کنج ها، نرده ها و حفاظ ها، بالکن ها و دودکش ها) در حوزه مورد نظر وجود دارند؟
	ریتم و الگو	ترکیب توده‌ها در حوزه مورد نظر از چه نظم و قواعدی برخوردار است؟ آیا الگوها و ریتم های واضح و قابل تشخیص وجود دارند؟
	جزئیات جذاب	آیا از قابلیت جزئیات و مصالح ساختمانی در جهت افزودن به جذابیت توده‌ها استفاده شده است؟
	مصالح ساختمانی	چه نوع مصالح ساختمانی در توده‌هایی که فضاهای عمومی را شکل می‌دهند، به کار رفته‌اند؟
	فرسودگی کالبدی توده‌ها	عمر ساختمان ها و سازه های حوزه مورد نظر چقدر است؟ آیا فرسودگی کالبدی در توده ها وجود دارد؟
	دانه‌بندی و تراکم بافت کالبدی	آیا دانه‌بندی توده‌ها از تعادل بهره‌مند است؟ آیا هماهنگی ارتفاعی در تراکم ساختمانی به چشم میخورد؟

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

تداوم	تـداوم قـانونمندی در بدنه‌ها	آیا خطوط ساختمان ها ممتد بوده و یا انفصال و عقب نشینی‌های غیر معمول در آن ها وقفه ایجاد کرده است؟
	جداره های فعال	فعالیت در جداره‌های طبقه همکف، متداوم است یا منفصل؟ آیا تداوم جداره‌های فعال در طول بدنه‌ها حفظ شده‌است؟
کیفیت منظر فضاهای عمومی	نفوذ پذیری بصری	آیا فضاهای عمومی در معرض دید قرار دارند؟
	تناسبات بصری	جذاب‌ترین ویژگی‌های بصری حوزه مورد نظر چیست؟
	کیفیت ســـاخت و مصالح	کیفیت ساخت و مصالح به کار رفته در کف سازی، دیوارها، پله ها و شیب فضاهای عمومی چگونه است؟
	فضای سبز	چه درختان، باغچه ها یا نواحی چمن کاری شده یا فضاهای سبزی در فضاهای عمومی وجود دارند؟
	مبلمان شهری	چه نوع علائم، نیمکت ها، سطل های زباله، راه بندها و نرده هایی در فضاهای عمومی حوزه مورد نظر وجود دارند؟
	وجود سازه هایی با قابلیت جابجایی	چه ایستگاه های اتوبوس، کیوسک ها، دکه ها، مراکز اطلاع رسانی، پل های عابر پیاده، چراغ های راهنمایی و سازه ها در محل وجود دارند؟
	خط آسمان	آیا ساختمان‌هایی که خط آسمان فضای عمومی را به وجود می‌آورد واجد کیفیت هارمونی، هماهنگی و یا تاکید هستند؟
	خط بام	منظر بام محل از درون و بیرون حوزه مورد نظر چگونه است؟
	منظر شبانه	آیا نوع نورپردازی و ویژگی‌های عناصر منظر شبانه به ارتقا کیفیت فضاهای عمومی کمک می‌کنند؟
تنوع فرم‌ها	گوناگونی ساختارها و قانونمندی ها	چه جنبه هایی از حوزه مورد نظر یا ساختمان های موجود آن به قابلیت محل برای پذیرش تنوع فرم ها کمک می کنند؟
	گوناگونی جزییات	آیا تنوع جزییات در شکل‌ها و فرم بناها در حوزه مورد نظر به تنوع فرم‌ها منجر شده‌است؟
کیفیت دیدها و چشم‌اندازها	دیدهای بسته	آیا دیدهای با کیفیت و متباین از درون حوزه مورد نظر به سمت عناصر واقع در حوزه وجود دارد؟
	دیدهای یکپارچه و پانوراما	آیا محل‌هایی در حوزه‌ی مورد نظر وجود دارند که فرصت بهره‌مندی از دید پانوراما به محدوده‌های مشخص از سایت را به استفاده کننده از فضا بدهند؟
	دیدهای راهبردی	آیا از درون حوزه مورد نظر به مناظر دوردستی که واجد کیفیت باشند فرصت دید مطلوب وجود دارد؟ آیا از نقاط دوردست خارج از محدوده مورد نظر، دید به مناظری با کیفیت در حوزه مورد نظر وجود دارد؟
	دیدهای محوری	آیا در حوزه مورد نظر « کریدور دید» که دربرگیرنده فرصت دید محوری به نشانه‌های مهم شهری و کیفیت‌های بصری باشد وجود دارد؟
هویت	حـدود واضـــح و روشن	آیا حدود حوزه مورد نظر با عناصر ویژه و قابل تشخیص کاملا مشخص شده‌است؟
	لبه ها و موانع	آیا مرزها و موانعی ویژه به خصوص در لبه (یا داخل) حوزه مورد نظر وجود دارند که به حوزه مورد نظر شخصیت ویژه ای ببخشند؟
	آستانه ها	آیا آستانه هایی را در لبه و یا درون ناحیه (به طور بالفعل و بالقوه) می توان شناسایی نمود که در آن‌ها سکانس‌ها، کارکرد و کاراکتر حوزه مورد نظر تغییر کند؟
	بناهای شـــاخص و تاریخی	آیا در حوزه مورد نظر ساختمان هایی وجود دارند که به دلیل ارزش معماری یا تاریخی شان به شناخته شده باشند؟
	اجتماعات محلی	آیا اجتماعات محلی همگن در حوزه مورد نظر شکل گرفته است؟

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

خوانایی	نشانه ها	آیا ساختمان ها و سازه هایی انسان‌ساخت یا عناصر سبز و طبیعی (واقع در حوزه مورد نظر و یا قابل رؤیت از محل) وجود دارند که در مقابل منظر پس زمینه خود به طور شاخص و برجسته ادراک می‌شوند؟
	دروازه ها	آیا محل‌هایی در لبه حوزه مورد نظر یا درون آن وجود دارند که بتوان آن‌ها را به عنوان دروازه ورود به محل(یا با توانایی و موقعیت بالقوه دروازه) در نظر آورد؟
	حوزه ها	آیا حوزه های مشخص (از نظر کالبدی، عملکردی یا بافت اجتماعی) در محدوده‌ی مورد نظر وجود دارند که به خوانایی محدوده کمک کنند؟
	گره های کالبدی	آیا نقاطی متمرکز و شاخص با معماری ویژه و همگن در حوزه مورد نظر وجود دارد؟
قابلیت ادراک	پیچیدگی و تضاد	آیا در ارتباط بین عناصر در حوزه طراحی، پیچیدگی و تضاد که به درک ارتباط بین عناصر کمک کند وجود دارد؟
	نظم و هماهنگی	آیا در ارتباط بین عناصر در حوزه مورد نظر سازمان و قانونمندی‌های واضح و قابل ادراک وجود دارند؟
تصویر ذهنی منسجم	منظر ذهنی و ادراک	آیا افراد (ساکنین و افراد غریبه) تصویر ذهنی واضح از محل دارند؟ اگر دارند این تصویر چگونه است؟
محیط فرهنگی و اجتماعی	رویدادها و همایش‌ها	آیا در حوزه مورد نظر رویدادها و فستیوال‌های فرهنگی و هنری دوره‌ای برگزار می-گردد؟
	جنبه‌های میراث فرهنگی	آیا حوزه مورد نظر دارای میراث‌های فرهنگی مربوط به شیوه زندگی مردم در گذشته و حال می‌باشد؟
غنای فعالیت‌ها	گره های فعالیتی	آیا در حوزه مورد نظر نقاط تمرکز فعالیت ها و تلاقی مسیرها وجود دارد؟
	پهنه بندی و سازگاری فعالیتی	آیا کاربری‌ها در حوزه مورد نظر در عین گوناگونی دارای هماهنگی و سازگاری هستند؟
	اختلاط کاربری‌ها	آیا ترکیب کاربری‌ها و اختلاط فعالیت‌ها برای حوزه مورد نظر مناسب است؟

امید است نتایج حاصل از این پژوهش بتواند در تحلیل بصری - زیبایی شناختی فرم‌کلان‌شهرهای معاصر ایران بر اساس ابعاد زیبایی‌شناختی محیطی استفاده شود.

منابع و مآخذ

۱. ابن‌حوقل، (۱۳۶۶)، سفرنامه ابن حوقل، مترجم: جعفر شعار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲. احمدی، بابک (۱۳۷۸). حقیقت و زیبایی: درس فلسفه هنر، نشر مرکز، تهران.
۳. امین زاده، بهناز (۱۳۸۹)، ارزیابی زیبایی و هویت مکان، نشریه علمی و پژوهشی هویت شهر، شماره ۷.
۴. انصاری مجتبی، پورجعفر محمدرضا، صادقی علیرضا و مهدی حقیقت‌بین (۱۳۸۸). بازشناسی انگاره‌های نظام بصری در محلات بافت فرسوده شهری نمونه موردی: محله عباسی تهران، نشریه علمی پژوهشی نامه معماری و شهرسازی، سال دوم، شماره ۲
۵. بحرینی، سید حسین، (۱۳۸۲) فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. بحرینی، سید حسین و بهناز امین زاده (۱۳۸۵). طراحی شهری در ایران: نگرشی نو، فصلنامه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
۷. بذرگر، محمدرضا (۱۳۷۷). بررسی و شناخت ساخت اصلی شهر نمونه موردی در ایران شیراز، رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده معماری و شهرسازی.
۸. بنتلی و دیگران (۱۳۸۲) محیط‌های پاسخده، ترجمه:

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

مصطفی بهزاد فر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
۹. بل، سایمون (۱۳۸۶) منظر، الگو، ادراک و فرآیند، ترجمه: بهناز امین زاده . تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۰. بیکن، ادموند (۱۳۷۶)، طراحی شهرها، ترجمه: فرزانه طاهری، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۱۱. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵ الف) سیمای شهر آنچه کوین لینچ از آن می‌فهمید، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳ (۱۸ دورجدید).
۱۲. پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۵ب) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، جلد اول، چاپ اول، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۳. پاکزاد؛ جهانشاه، (۱۳۸۱) کیفیت محیط شهری، مطالبه معوقه شهروندان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره
۱۴. پاکزاد؛ جهانشاه (۱۳۸۶) مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری، جلد دوم، تهران: انتشارات شهیدی
۱۵. پورتیوس، داگلاس (۱۳۸۹) زیبایی شناسی محیط زیست؛ ترجمه محمد رضا مثنوی، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی
۱۶. پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۸۱)، معیارهای طراحی شهری در طراحی مساجد، فصلنامه مدرس هنر، شماره ۱.
۱۷. پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۸۲)، توجه به معیارهای طراحی شهری در انتخاب سایت مخابراتی تهران، فصلنامه آبادی، شماره ۳۸.
۱۸. پورجعفر، محمدرضا و دیگران، (۱۳۸۵)، مبانی طراحی محورهای شاخص شهری، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳ (۱۸ دورجدید).
۱۹. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸) مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، تهران: انتشارات پیام
۲۰. توسلی، محمود و ناصر بنیادی(۱۳۷۱)، طراحی فضای شهری، جلد ۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
۲۱. توسلی، محمود و ناصر بنیادی (۱۳۷۲) طراحی فضای شهری، جلد ۲، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
۲۲. تولایی، نوین (۱۳۸۶) شکل شهر منسجم، انتشارت امیرکبیر، تهران
۲۳. جنکس، چارلز (۱۳۸۳) پست مدرن چیست، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، نشر نی، تهران
۲۴. جورابچی، کیوان (۱۳۸۲) زبان مسکن شهری، پایان نامه ارشد معماری، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۵. حمیدی، ملیحه (۱۳۷۲) نقش فرم، الگو و اندازه شهر در کاهش آسیب‌پذیری از زلزله، هشتمین سمینار بین‌المللی پیش بینی برابر زلزله تهران: دانشگاه تهران و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
۲۶. حمیدی، ملیحه (۱۳۷۵)، کنکاشی در الگوی ساختاری و استخوانبندی شهرهای کهن ایران، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی
۲۷. حمیدی، ملیحه (۱۳۷۶)، استخوانبندی شهر تهران، انتشارات سازمان مشاور فنی و مهندسی شهرداری تهران
۲۸. شپرد (۱۳۷۷). مبانی فلسفه هنر، ترجمه علی رامین. تهران: هرمس
۲۹. شفتی، سیروس، (۱۳۸۱)، جغرافیای اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان
۳۰. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲) مقدمه‌ای بر برنامه ریزی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
۳۱. ضمیران، محمد (۱۳۷۷) جستارهای پدیدارشناسانه پیرامون هنر و زیبایی، تهران: نشرکانون
۳۲. ضمیران، محمد (۱۳۸۰) اندیشه فلسفی در پایان هزاره دوم، هرمس، تهران
۳۳. کوآن، رابرت (۱۳۸۵). اسناد هدایت طراحی شهری، ترجمه کورش گلکار و سولماز حسینیون، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلیمی.
۳۴. طیبی، غفاری (۱۳۸۹) راهبردهای مطالعه فرم شهری در ایران، همایش ملی معماری و شهرسازی، شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی
۳۵. کریر، راب(۱۳۷۵) فضای شهری، ترجمه خسرو هاشمی نژاد، تهران، جهاد دانشگاهی.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

۳۶. گات، بریس و دومینیک مک آیور لوپس (۱۳۸۹) دانشنامه زیبایی شناسی، ترجمه صانعی دره بیدی و دیگران، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر، چاپ چهارم
۳۷. گروتر، یورک (۱۳۸۳). زیبایی شناسی در معماری، ترجمه: جهانشاه پاکزاد، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۸. گلکار، کوروش (۱۳۷۸). کندوکاوی در تعاریف طراحی شهری، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۳۹. گلکار، کوروش (۱۳۸۵). مفهوم منظر شهری، فصلنامه آبادی، شماره ۵۳ (۱۸ دوره جدید)
۴۰. گلکار، کوروش (۱۳۸۰). مؤلفه‌های سازنده کیفیت در طراحی شهری. نشریه علمی پژوهشی صفه شماره ۳۲
۴۱. گلکار، کوروش (۱۳۸۲). از تولد تا بلوغ طراحی شهری، نشریه علمی پژوهشی صفه، شماره ۳۶
۴۲. گیدیون، زیگفرید (۱۳۸۱). فضا، زمان، معماری، ترجمه: منوچهر مزینی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۳. لنگ، جان (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری، ترجمه علی‌رضا عینی فر، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۴. لنگ، جان (۱۳۸۶). طراحی شهری، گونه شناسی رویه‌ها و طرح‌ها، ترجمه سید حسین بحرینی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۴۵. لینچ، کوین (۱۳۸۱). سیمای شهر ترجمه منوچهر مزینی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۴۶. لینچ، کوین (۱۳۸۱). بازنگری در سیمای شهر ترجمه کوروش گلکار، نشریه علمی پژوهشی صفه، شماره ۳۴
۴۷. لینچ، کوین؛ (۱۳۸۴). تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۴۸. مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران
۴۹. موریس، جیمز (۱۳۷۴)، تاریخ شکل شهر. ترجمه راضیه رضازاده. انتشارات دانشگاه علم و صنعت چاپ دوم
۵۰. مولوی، مهرناز (۱۳۸۴). تحلیل فرمال فضاهای شهری و پایه‌های فلسفی آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۱
۵۱. میرفندرسکی، محمدامین (۱۳۷۴)، باغ به مثابه‌ی پیش آیند شهر، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ارگ بم –کرمان
۵۲. نقی زاده، محمد (۱۳۷۵) تقابل سبکهای معماری وارداتی با ارزشها و اصول حاکم بر معماری اسلامی، مجموعه مقالات سومین سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
۵۳. نقی زاده، محمد (۱۳۷۹ب) رابطه هویت سنت معماری ایرانی با مدرنیسم و نوگرایی، مجله هنرهای زیبا شماره ۷، تابستان.
۵۴. نقی زاده، محمد (۱۳۸۴ الف) جایگاه طبیعت و محیطزیست در فرهنگ و شهرهای ایران، تهران، واحد علوم و تحقیقات.
۵۵. نقی زاده، محمد (۱۳۸۱ الف) تأثیر معماری و شهر بر ارزشهای فرهنگ، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۱، تابستان.
۵۶. نقی زاده، محمد (۱۳۸۶) ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو اسلامی، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۵۷. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵الف) معماری و شهرسازی اسلامی، اصفهان، راهیان.
۵۸. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵ب) مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی تجلیات عینی و تألیفی، اصفهان: راهیان.
۵۹. نقی زاده، محمد (۱۳۸۷ الف) شهر و معماری اسلامی تجلیات و عینیات اصفهان: سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان.
۶۰. نقی زاده، محمد (۱۳۸۷ ب) مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی. اصفهان، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان.
۶۱. نیوتن، اریک (۱۳۶۶) معنی زیبایی، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۶۲. هاس‌پرز، جان و اسکراتن راجر (۱۳۸۰). فلسفه هنر و زیبایی شناسی، ترجمه یعقوب آژند، دانشگاه تهران، تهران.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]

63. Appelton, J., (1984), "Prospects and refuges revisited" Landscape Journal 8
64. Boyer, Ch., (1994), "The city of collective memory", MIT press, USA.
65. Carmona, mattew (2006) Public places –urban spaces, Architectural press, Oxford
66. Encyclopedia of aesthetics (1988). Editor in chief: Michael Kelly, vol (2), entry of formalism, pp 213-225, oxford
67. Encyclopedia of britannica (1991), vol 9, hay cock press
68. Gibberd, F., (1955), Town Design", London: Architectural Press.
69. Halprin, L. (1966), "Freeways", New York, Reinhold.
70. Jacobs, J. (1961), "The Death and Life of Great American Cities", New York: Random House
71. Jakson, J. B. (1980), "The necessity for ruins", Amherst; Uinversity of Massachusetts Press.
72. Kaplan. R. and Kaplan. S. (1991), "The Experience of Nature: A Psychological Perspective", Cambridge University. Cambridge, UK
73. Kaplan. S., (1987), "Aesthetics, affect, and cognition: environmental preferences from an evolutionary perspective", Environment and Behavior 19.
74. McGann, Jerome (2004). Beauty, the Irreal and the willing assumption of disbelief. Journal of critical inquiry, pp 717-738
75. Norberg-Schulz, C., (1981), "Genius Loci: Paysage, Ambiance, Architecture", Brussels; Mardaga.
76. Relph, E. (1976), "Place and Placelessness, pion" London.
77. Newman, O, (1972), "Defensible space : people and design in the violent city", London, Architectural Press.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-01]